

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: الکساندر دودچاک (ALEXANDER DUDCHAK)

برگردان: ا.م. شیری

۰۷ سپتمبر ۲۰۲۲

گوربچوف: به جای آگهی مجلس ترحیم



... خارجی‌ها شروع به خرید روسیه کردند: تقریباً مفت

گوربچوف هرگز آن طرفدار ساده‌لوح «تغییر» نبود، که وانمود می‌کرد.

او به صراحت اعلام کرد: «هدف زندگی من نابودی کمونیسم بود، که یک دیکتاتوری غیرقابل تحمل بر مردم است... من برای رسیدن به این مقصود، وظایف (دولتی) را به نحو احسن انجام دادم. در این رابطه، همسر رئیس‌جمهور توصیه کرد که دائماً برای احراز عالی‌ترین مقام در هرم قدرت تلاش کنم. و زمانی که شخصاً با غرب آشنا شدم، تصمیم من قطعی شد. من مجبور شدم کل رهبری حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی را از بین ببرم. همچنین مجبور بودم تمامی رهبری حزب کمونیست و دولت اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی را برکنار نمایم... به منظور دستیابی به این اهداف، افراد همفکر خودم را، قبل از همه، **یاکوفلیف** و **شوارنادزه** را انتخاب کردم، که سهم عظیمی در ساقط کردن کمونیسم داشتند...».

«عید میلاد را با خیال راحت می‌توانید جشن بگیرید. اتحاد شوروی دیگر وجود ندارد». این جمله مشهور گوربچوف خطاب به رئیس‌جمهور امریکا بود. در پاسخ، بوش صمیمانه از گوربچوف قدردانی کرد.



گوربچوف از سال ۱۹۸۵، به طور سازمانیافته، از طریق اتخاذ تصمیمات مختلف حزبی و دولتی و اجرای آنها، ساختارهای اقتصاد حزبی «سایه» را، هم در قلمرو اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و هم در خارج از آن ایجاد کرد. برای انجام وظایف تعیین شده، گوربچوف شخصاً لیست افراد مورد اعتماد برای این انجام کار را از میان اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، بخش مدیریت کمیته مرکزی حزب، رهبری کمیته اطلاعات و امنیت دولتی، وزارت دارائی و بانک مرکزی تنظیم کرد.

ظاهراً برای انجام اصلاحات در اقتصاد اتحاد شوروی تحت رهبری گوربچوف، که گویا زمانش رسیده بود، در جنوری ۱۹۸۸ قانون جدیدی در مورد مؤسسات دولتی تصویب شد. به گفته وی، دولت از مسؤلیت در قبال تعهدات بنگاهها آزاد شد. بنگاهها نیز از پاسخگویی در قبال تعهدات دولت آزاد شدند. این قانون باعث هرج و مرج و بی‌نظمی در فعالیت‌های اقتصادی بنگاهها گردید. در عین حال، در شرایط حفظ اقتصاد برنامه‌ریزی شده، توزیع متمرکز منابع مالی حفظ شد. وزارتخانه‌ها همچنان می‌بایست نیازمندی‌های بنگاهها را تأمین می‌کردند و بنگاهها طبق قانون جدید می‌توانستند این دارائی‌ها را به صلاحدید خود مدیریت کنند.

اقتصاد کشور به یک خیابان یک طرفه تبدیل شد. به بنگاهها این فرصت داده شد که به تدریج از سفارشات دولتی فاصله گرفته، طبق برنامه خود توسعه یابند و به طور مستقل مسائل کارکنان خود و همچنین موارد مربوط به روش‌های فروش کالا و قیمت‌گذاری را حل کنند. اما نبود زیرساخت بازار و سازمان‌های واسطه این مسیر را بسیار دشوار می‌کرد. علی‌رغم وجود بند قانونی در باره ورشکستگی، یارانه‌های دولتی اجازه انحلال نهائی سازمانها را نمی‌دادند و آن نیز دور باطل تخصیص نادرست بودجه، «تصاحب» بودجه دولتی و سوء مدیریت کشور را تقویت می‌کرد.

در ماه مه ۱۹۸۸، تحت فشار گوربچوف، شورای عالی اتحاد شوروی قانون تأسیس شرکت‌های تعاونی را تصویب کرد. در پشت عبارات کلی مواد متعدد این قانون، ماهیت واقعی آنها پنهان شده بود. بنگاهها به تأسیس شرکت‌های تعاونی با حق استفاده از منابع دولتی متمرکز مجاز بودند. اما خلاف مغازه‌ها و حتی خلاف خود شرکت‌ها، این تعاونی‌ها می‌توانستند طبق قانون به طور مستقل عملیات صادراتی انجام دهند، بانک‌های تجاری تأسیس کنند و شعبات خود را در خارج از کشور دایر نمایند. در عین حال، درآمدهای ارزی مشمول برداشت نبود. در دوره ۱۹۸۸ تا اوایل سال ۱۹۸۹، شورای وزیران اتحاد شوروی تصمیماتی اتخاذ کرد که بر اساس آنها انحصار دولتی بر فعالیت‌های اقتصادی خارجی لغو گردید، گمرک از توقیف محموله‌های شرکت‌های تعاونی منع شد و به آنها اجازه داد درآمد حاصل از آن را در خارج از کشور نگهداری کنند.

گوربچوف با استفاده از منابع اجرائی خود، ابتداء شرکت‌ها را از تعهدات خود در مقابل کشور آزاد کرد، سپس دارائی‌های آنها را به اعضای شرکت‌های تعاونی منتقل کرد و مرزهای اتحاد شوروی را چهارطاق باز کرد.

در عرض چند هفته، اکثر بنگاه‌های دولتی به عنوان شرکت‌های تعاونی به ثبت رسیدند و به تملک بستگان مدیران، دبیران کمیته‌های ایالتی و اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست درآمدند. و بنگاهها و کارخانه‌ها برای تولید محصولات به دریافت منابع از بودجه دولتی همچنان ادامه دادند، اما اکنون خود مدیران حق داشتند این محصولات را مدیریت کنند. بر این مبنای آنها این منابع را به سمت شرکت‌های تعاونی «خانوادگی» هدایت کردند و سپس، به خارج از کشور فرستادند. سیمان و فلزات، فرآورده‌های نفتی و گازی، پنبه، الوار و کودهای معدنی، لاستیک، چرم و هر چیز دیگری که دولت برای پردازش و اشباع بازار داخلی به شرکت‌ها تحویل می‌داد، با قطار از طریق «مناطق سبز» در مرزها به خارج از کشور ارسال می‌شد.

بر اساس طرح گوربچوف، در ساعت X این وجوه باید به طور قانونی از طریق بانک‌های آن‌ها به کشور بازگردانده می‌شد تا بنگاه‌های خود را خریداری کنند.

در سال‌های ۱۹۸۸-۱۹۸۹، شرکت‌های تشکیل شده «بر اساس تصمیم حزب» نیمی از کالاهای مصرفی تولید شده در کشور و دارایی‌های موجود را از اتحاد شوروی خارج کردند. بازار داخلی سقوط کرد، کشور دچار کمبود محصولات صنعتی و غذایی گردید. به دستور گوربچوف و نیکولای ریژکوف، ذخایر طلای اتحاد شوروی برای خرید مواد غذایی در خارج از کشور فروخته شد. طلا به منظور خرید مواد غذایی «خارجی» به خارج از کشور سرازیر گردید. اغلب محصولات خریداری شده از بازار داخلی تحت پوشش خارجی وارد می‌شدند. کشتی‌ها در بنادر لنینگراد، ریگا و تالین با غلات و مواد خوراکی ارزان بارگیری می‌شدند، از طریق بحر به اروپا می‌رفتند، به نام گندم و مواد غذایی «وارداتی» به بندر اودسا می‌آمدند و در اتحاد شوروی هر تن به قیمت ۱۲۰ دالر فروخته می‌شدند. تنها در سال ۱۹۸۹، ۲۷۵۰ کیلوگرم طلا از ماگادان برای خرید بذرت از آمریکا و کانادا صادر گردید. مسیر حمل و نقل طلا از تاتارستان می‌گذشت و در آنجا همراه با الماس به ارزش ۲۸ میلیون دالر به اسرائیل فرستاده شد.



۱۳ فیبروری سال ۱۹۹۰، دستورالعمل گوربچوف در باره «لزوم توجه به برخی از جنبه‌های قانونی زندگی حزب در ارتباط با نتایج پلنوم فیبروری (۱۹۹۰) کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی صادر شد». در این دستورالعمل، ضرورت گذار به یک نظام چند حزبی در اتحاد شوروی و امکان مصادره اموال حزب کمونیست اتحاد شوروی، عمدتاً ساختمان‌ها و همچنین، مؤسسات انتشاراتی، چاپخانه‌ها، استراحتگاه‌ها، آسایشگاه‌ها و سایر امکانات اجتماعی، وسایل نقلیه و غیره که در اختیار کمیته‌ها و سایر سازمان‌ها و نهادهای حزبی قرار داشتند، مطرح شده بود.

بر اساس دستور فوق محرمانه گوربچوف و ریژکوف، شرایط خاصی دایر بر نرخ مبادله دالر برای کارکنان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تنظیم گردید. نخبگان حاکم اجازه داشتند هر دالر آمریکا را با نرخ ۶۲ کوپک مبادله کنند و برای سایر شهروندان کشور نرخ ارز، ۶ روبل و ۲۶ کوپک به ازای هر دالر تعیین شد.

اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و مقامات عالی‌رتبه بدون محدودیت، مجاز به دریافت وام از بانک‌ها، خرید ارز و بردن آن به خارج از کشور و افتتاح حساب‌های شخصی در بانک‌های خارجی بودند.

همه این‌ها زمانی روی داد که پرداخت حقوق کارگران، دانشمندان، نظامیان و مقامات اتحاد شوروی متوقف گردید. بی‌کاری گسترده آغاز شد، اعتصابات و تجمعات اعتراضی شروع شد، مواد غذایی و کالاهای تولیدی ناپدید شدند، روابط اقتصادی و مالی بین شرکت‌ها مختل گردید، طبق یک سناریوی واحد، احزاب کمونیست جمهوری‌ها به «استقلال ملی» روی آوردند، جبهه‌های خلق تشکیل گردیدند.

رهبران جمهوری‌های متحد، با عطف توجه به آنچه که در مسکو اتفاق می‌افتاد، به کارزار ضد روسیه دست زدند. رویارویی‌های قومی در قفقاز، جمهوری‌های بالتیک و آسیای مرکزی شروع شد. صدای نخستین تیراندازی در ترانس نیستریا شنیده شد. سیل پناهندگان روس از جمهوری‌ها به روسیه سرازیر گردید. زیرا، دیگر حضور روس‌ها در جمهوری‌ها لازم نبود. تمام رسانه‌های جمعی «مردم روسیه» را برای کمک به هموطنان خود که به مشکلات بی‌سابقه گرفتار شده بودند، فرامی‌خواندند. شماره حساب‌های اعلام می‌شدند تا هر کسی به وسع خود مبلغی به عنوان کمک به آن‌ها واریز کند

گزارش شده است که آن‌ها خواسته اند «تا جایی که می‌توانند» به آن‌ها پول واریز کنند. هیچ کس پول نداشت، حقوق کارگران ماه‌ها پرداخت نمی‌شد... تجمعات گسترده کارگران بخش‌های مختلف اقتصاد ملی، که در اثر عدم پرداخت دستمزدها، به زندگی فلاکت‌بار دچار شده بودند، به یک امر عادی تبدیل شده بود. در مدت کوتاهی، ۱۶۶ معدن و حدود ۱۸۰ هزار نفر اعتصاب کرد.

۱۳ مارچ سال ۱۹۹۰، با مشارکت گوربچوف، ماده ۶ قانون اساسی کشور که انحصار رهبری سیاسی اتحاد شوروی را برای حزب کمونیست تضمین می‌کرد، لغو گردید. حزب کمونیست اتحاد شوروی هژمونی سیاسی خود را از دست داد، اما رهبری آن تحت مدیریت گوربچوف و با در دست داشتن سرمایه، به یک کاست مجزا تبدیل گردید. در کشور یک «دموکراسی لجام گسیخته» در اثر ورود دالر آمریکا به اقتصاد اتحاد شوروی آغاز شد، که به سقوط کامل ساختار مالی کشور انجامید.

از طریق ماکسول، مالک کانال خبری سی‌بی‌سی (CBC)، میلیاردها دالر از اتحاد شوروی به غرب انتقال یافت. او روبل شوروی را به ارز در غرب فروخت و این وجوه را در آنجا به حساب‌های خصوصی واریز کردند.



گوربچوف به منظور فروش روبل اتحاد شوروی به غرب با تبانی ماکسول و با کمک پاولوف، وزیر دارایی و گراشنکو، رئیس بانک مرکزی اتحاد شوروی، اشمیت، سرمایه‌دار سونیسی از شرکت «بورژوازمینشافت» را که به دلالتی مشغول بود، جذب کرد. این فرد سونیسی برای مذاکره با پاولوف و گراشنکو با هواپیما به مسکو آمد.

آن‌ها در مورد خارج کردن ۲۸۰ میلیارد روبل از گردش مالی اتحاد شوروی و فروش آن توافق کردند. اشمیت یک سرمایه‌دار با تجربه بود و درک روشنی از وضعیت گردش مالی اتحاد شوروی داشت (در آن زمان تنها ۱۳۹ میلیارد روبل پول نقد در اتحاد شوروی در گردش بود). اشمیت پس از دریافت پیشنهاد پاولوف مبنی بر فروش ۲۸۰ میلیارد روبل، از او پرسید: «آیا می‌خواهید این پول را از گردش خارج کنید؟» وزیر دارایی اتحاد شوروی پاسخ داد: «تا حدی» و بلافاصله اضافه کرد: «شما تصور نکنید ما احمق هستیم. ما ثروتمندیم. نگران ما نباشید! ما هنوز در حال چاپ هستیم».

موضوع این معامله از قبل توسط گراشنکو و پاولوف و به دستور محرمانه گوربچوف آماده شده بود. پاولوف، گراشنکو و اشمیت بر سر معامله برای فروش ۲۸۰ میلیارد روبل به غرب به توافق رسیدند و موافقت کردند در چهار مرحله انجام شود:

مرحله اول- در ماه دسمبر سال ۱۹۹۰، ۱۰۰ میلیارد روبل از اتحاد جماهیر شوروی خارج گردید و به قیمت ۵.۵ میلیارد دالر فروخته شد؛

مرحله دوم- ۲۵ میلیارد روبل در ماه دسمبر سال ۱۹۹۱؛

مرحله سوم- ۱۵ میلیارد روبل، در ماه مه سال ۱۹۹۱. وجوه مرحله دوم و سوم به قیمت ۲ میلیارد دالر فروخته شد؛

مرحله چهارم- در ماه جولای سال ۱۹۹۱، ۱۴۰ میلیارد روبل به قیمت ۴ و نیم میلیارد دالر فروخته می‌شود.

به ازای فروش ۲۸۰ میلیارد روبل، مجموعاً ۱۲ میلیارد دالر دریافت شد. این معامله در آستانه کودتای اگست ۱۹۹۱ تکمیل گردید.

مدیریت فروش پول اتحاد شوروی را وزیر دارائی سابق اتحاد شوروی، والننتین پاولوف و ولادیمیر آرلوف شخصاً به عهده داشتند. بنابراین، والننتین پاولوف در پایان سال ۱۹۹۰ به صورت ناشناس (با پاسپورت جعلی) وارد سوئیس شد. به این دلیل، او هیچ تماسی با سفارت شوروی در برن و با مقامات سوئیس نداشت. پاولوف در زوریخ جلسات محرمانه‌ای با اشمیت و رؤسای بانک‌های سوئیس، المان، فرانسه و بریتانیا برگزار کرد و در پایان جنوری ۱۹۹۱، وزیر جدید دارائی، ولادیمیر آرلوف نیز با سند جعلی به سوئیس رفت و در آنجا با نمایندگان محافل مالی امریکا و اروپا دیدار و مذاکره کرد. آرلوف علاوه بر صحبت از ساز و کارهای انتقال وجوه به غرب، اطلاع داد که گوربچوف و دولتش مایلند مقدار قابل توجهی طلا، الماس و پلاتین بفروشند، اما بیم دارند که به دلیل درز اطلاعات، ممکن است قیمت آن‌ها بازار جهانی سقوط کند.

در پایان این معامله، به گواهی شاهدان، پاولوف خطاب به اشمیت گفت: «کسانی که شما را فرستاده‌اند، شماره حساب‌هایی را که باید این پول‌ها به آن‌ها واریز شوند، می‌دانند. در مرحله پایان، آقای آرلوف شخصاً معامله را کنترل خواهد کرد». طبق قرارداد، مقادیر مشخص شده روبل از اتحاد شوروی به سوئیس انتقال یافت. اشمیت، همانطور که خودش گفت، اتحاد شوروی را تنها با ۱۲ میلیارد دالر خرید.



سرقت پول اتحاد شوروی، کشور را به سمت سقوط کامل سوق داد. خسارات وارده به کشور غیر قابل محاسبه بود: ۳۶۰ میلیارد روبل پس‌انداز نیروی کار اتحاد شوروی در بانک‌ها ارزش خود را از دست داد، نظام مالی کشور کاملاً متلاشی گردید.

این معامله در نهایت به انحلال کامل اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی منجر گردید. دار و دسته گوربچوف ارزش روبل اتحاد شوروی را تا حد غیرقابل تصویری کاهش داد تا بعداً غول‌های صنعت و بزرگترین ذخایر مواد خام ما را با روبل بی‌ارزش خریداری کند. در سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۸۵، یک دالر امریکا در تسویه حساب‌های بین‌المللی معادل ۶ دهم (۰.۶) روبل ارزش داشت. اما همان یک دالر در سال ۱۹۹۰ به ۳ و ۶ دهم روبل و در سال ۱۹۹۱ به ۱۸ روبل رسید. پس از انحلال اتحاد شوروی، تسلط باند یلتسین بر کشور و پس از آن که غرب روبل‌های خریداری شده اتحاد شوروی از باند گوربچوف را دور ریخت، نسبت ارز در سال ۱۹۹۲ به سطح ۱۰۰۰ روبل در مقابل یک دالر کاهش یافت. اگر در سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۸۵، ارزش پالایشگاه نفت ما ۵۰۰ میلیون روبل، یعنی ۷۹۰ میلیون دالر به نرخ ارز آن زمان بود، در سال ۱۹۹۲ فقط به قیمت ۵۰۰ هزار دالر فروخته شد. خارجی‌ها شروع به خرید روسیه کردند: تقریباً مفت... [البته، با انجام خصوصی‌سازی‌های گسترده در سال‌های بعد، ارزش روبل چند هزار برابر دیگر نیز کاهش داده شد. مترجم].

توضیحات تکمیلی

از زمان انحلال و تجزیه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، بزرگترین فاجعه قرن (به تعبیر ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور فدراسیون روسیه)، هولناکترین فاجعه تاریخ (به تعبیر مترجم مطلب زیر) ۳۲ سال می‌گذرد.

در این مدت یک سوم قرن، هنوز جریان‌های سیاسی ایران نتوانستند یا شاید نخواستند یک مطالعه و بررسی علمی منسجم ارائه نموده، از تجربه این شکست هولناک برای نسل‌های حاضر و آینده درس استخراج نمایند.

البته، یکسری مطالعات و پژوهش‌هایی به صورت فردی به عمل آمده، اما شکی نیست که هر کدام از آن‌ها دارای نواقص کمبودهایی می‌باشد.

در رابطه با این مسأله، من شخصاً تعداد فوق‌العاده زیادی مقاله، سند و تحلیل و بررسی در تارنماها و رسانه‌های تصویری به صورت کتبی، مصاحبه‌ها، میزهای گرد و غیره را خوانده و یا گوش داده و بخش بسیار کمی از آن‌ها (قریب سیصد عنوان مقاله و سه کتاب) را به فارسی ترجمه نموده‌ام و بر اساس آن‌ها و مشاهدات شخصی نیز چند ده مقاله تألیف نموده‌ام.

با این حال، هنوز وقتی که صحبت از تجزیه و انحلال اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، حذف این ابرقدرت از نقشه سیاسی جهان و تخریب نظام سوسیالیستی به میان می‌آید، معلوم می‌شود غالباً افرادی در این باره به اظهار نظر می‌پردازند، که نه خود مطالعه کرده‌اند و نه از مطالعات و پژوهش‌های دیگران بهره‌ای برده‌اند. بلکه، اساساً شنیده‌ها از این فرد یا آن فرد را، از اینجا و آنجا را، به ویژه از رسانه‌های جمعی بورژوازی را با منویات خود در هم آمیخته، اظهار فضل می‌نمایند.

این واقعیت را انتشار مقاله اخیر: «میخائیل گوربچوف، سمبل جهان تک قطبی مُرد» به روشنی نشان داد. به گونه‌ای که به رغم استقبال گسترده‌ای که از این مقاله به عمل آمد، تعداد انگشت شماری نیز به بهانه‌های مختلف، آن را زیر سؤال بردند.

مثلاً: یکی از این افراد علل به قول خودش «فروپاشی» اتحاد شوروی را فهرست کرده و در آن بر وجود «بی‌کاری پنهان»، «عدم رعایت سانترالیسم دموکراتیک» و «فقدان تعدد احزاب» تأکید کرده بود. اما، از قرار معلوم او از وجود ارتش ده‌ها میلیونی بی‌کاران و بی‌معنی و بی‌جا بودن سانترالیسم دموکراتیک در نظام و کشورهای سرمایه‌داری که

همچنان پا بر جا هستند، اطلاع ندارد یا اصلاً نمی‌خواهد بداند. بنابراین، نمی‌خواهد قبول کند که چنین فرضیاتی حتی در صورت صحت کامل، نمی‌توانند دلیل نابودی نه تنها یک کشور، حتی یک نظام اجتماعی-اقتصادی باشند.

دیگری، وجود «رادیوهای تک موج»، به زعم او یعنی جلوگیری از دسترسی آزاد به اطلاعات (بورژوازی) را یکی از علل «فروپاشی» اتحاد شوروی قلمداد کرده بود. البته، دروغ وی را با ارسال دو پیوند حاوی تصاویر و توضیحات در خصوص چندین و چند نوع رادیوی چند موجی ساخت اتحاد شوروی را که بدون استثناء در همه خانوارها وجود داشت، افشاء کردم. البته، در این امر شکی نیست که بسیاری از انسان‌ها به دلیل تلخی حقیقت، میل به دروغ و دغل دارند. اما نه به این آشکاری! با این حال، همان پیوندها در پایان همین جستار نیز معرفی می‌شود.

با آن دیگری، کارهای مرا یکجانبه و بدون توجه به عوامل داخلی ارزیابی نمود. امیدوارم این بدفهمی و کج‌فهمی عمدی و آگاهانه نباشد و گر نه، روشن است که تحلیل و بررسی خیانت گورکنان داخلی اتحاد شوروی و سوسیالیسم به سردمداری باند یاکوولیوف-گوربچوف-یلتسین چیزی جز تأکید بر عوامل داخلی تحت امر عوامل خارجی (رژیم‌های امپریالیستی) نیست.

البته، چنین بدفهمی‌ها و کج‌فهمی‌ها در موارد دیگری نیز مشاهده می‌شود. به عنوان مثال- در پاسخ به سؤال یکی از این قبیل «منتقدان»، بیان کردم که در جریان انحلال اتحاد شوروی هر دو عامل داخلی و خارجی نقش داشتند. ولیکن، جواب وی این بود که وزن مخصوص عامل داخلی بسیار سنگین بود. اما نگفت که بر چه اساسی!

همچنین، در ادامه گفتار، به سمع و نظر ایشان رسید که بعد از آغاز دوره استعمار، هیچ حادثه‌ای نبوده که در آن عامل خارجی نقش اصلی را بازی نکرده باشد و در ادامه، به حوادث تاریخ نزدیک مانند یوگسلاوی، لیبیا، عراق و ... به عنوان نمونه اشاره شد. اما وی کاملاً سفسطه‌گرانه این مدعا را به انقلاب‌ها نیز تعمیم داد. در حالی که، ذکر نمونه‌ها و توضیح این واقعیت روشن می‌کرد، که برداشت وی از این مدعا کاملاً نادرست است. زیرا، انقلاب‌ها باعث تجزیه هیچ کشوری نشده، بلکه، تنها موجب تغییر حاکمیت سیاسی در کشور و در بهترین حالت، تغییر نظام اجتماعی-اقتصادی منجر گردیده‌اند. مانند انقلاب اکتبر و دیگر انقلاب‌ها!

۱۵ شهریور-سنبله ۱۴۰۱

برگردان از منبع:

<https://www.fondsk.ru/news/2022/08/31/gorbachev.-vmesto-nekrologa-57074.html>

<https://eb1384.wordpress.com/2022/09/06/گوربچوف-بجای-آگهی-مجلس-ترحیم/>

نشانی‌های رادیوهای ساخت اتحاد شوروی:

<https://www.google.com/imgres?imgurl=https://www.hi-fi.ru/upload/medialibrary/eb4/eb411f8b469a8a66da51619cf9b03d82.jpg&imgrefurl=https://www.hi-fi.ru/magazine/audio/top-10-tranzistornykh-pri/&docid=w6hjZvMtYVozuM&tbnid=RjIjz7-PJef-IM&vet=1&w=1200&h=800&hl=ru-RU&source=sh/x/im>

<https://www.google.com/search?sxsrf=ALiCzsbEULzXR8VgC3wEys2U5z50kA4aWg:1662196677341&source=univ&tbn=isch&q=радиоприемники+ccsr&client=opera&fir=RjIjz7-PJef->

[IM%252Cw6hjZvMtYVozuM%252C_%253BfMhC0u6IUk6D3M%252C1hmw1y21oMzqtM%252C_%253B0kIzRhL5o0RRuM%252Cw6hjZvMtYVozuM%252C_%253BHf2O8bIG2_X7_M%252CPercJ_o4-CHI9M%252C_%253BDEhYfSwoO1FCTM%252CdwrvnOL5rBjXdM%252C_%253BojWnTY6PpwMt9M%252CwswEvH95JgyeBM%252C_%253B5jIcuD4BNfTwm%252CPercJ_o4-CHI9M%252C_%253BOGKQ8LA5Cs8TZM%252CARoV27tiTILg8M%252C_%253BgSf0xLkPSAOF7M%252Ckr-FQvBH1HYyzM%252C_%253BZ2ROjGohcEQyjM%252CeMY9RNVDt-QmJM%252C_%253BgMc_vdPu342yGM%252C1_7BcTRWe6wxM%252C_%253BXsdn5FcQYxkMKM%252Cianhujf0eQQn4M%252C_&usg=AI4_-kQTBXO2VtOdcW45ZS0R7fpwLSOOGw&sa=X&ved=2ahUKEwi5o_-Tpfj5AhV5RvEDHYMDCR0Q7Al6BAgTEDM&biw=1326&bih=658&dpr=1](#)